

## الزامات و بایسته های حقوق کیفری نظامی تحت تاثیر منشور حقوق شهروندی

محمدحسین امیری<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۹/۳۰

محمد بارانی<sup>۲</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۲

شهرداد دارابی<sup>۳</sup>

## چکیده

حقوق کیفری نظامی بعنوان یکی از گرایش‌های بسیار مهم در قلمرو حقوق کیفری که در مقایسه با آموزه های حقوق شهروندی به لحاظ افتراق ظاهری بحث برانگیز و چالشی بنظر می‌رسد. هنگامیکه حقوق جزای نظامی را بر آموزه‌های حقوق شهروندی عرضه می‌داریم، وجوه اشتراک و افتراق متعددی میان این دو حوزه متبلور می‌گردد که پرداختن به آن از نظر علمی و پژوهشی حائز اهمیت است. برای ایجاد تحول در ساختارهای فعلی حقوق کیفری نظامی و نیل به اهداف متعالی آن مبتنی بر آموزه‌های حقوق شهروندی، منشور حقوق شهروندی نهاد ریاست جمهوری به لحاظ آکادمیک نمونه مناسبی است تا از این رهگذر بتوان حقوق جزای نظامی را از نگاه آموزه‌های حقوق شهروندی مورد ارزیابی قرار داد. در این راستا با بررسی و تحلیل دقیق داده ها، میزان ارتباط حقوق شهروندی با حقوق جزای نظامی از جهت حقوق و تکالیف نظامیان در قبال حقوق شهروندی به‌ویژه ضابطان قضایی به لحاظ ایفای نقشی که به موجب ضوابط منشور بر عهده دارند بعنوان یک فصل مشترک مورد بررسی قرار گرفته است. روش تحقیق در این پژوهش توصیفی-تحلیلی می‌باشد که اطلاعات اولیه از طریق روش کتابخانه‌ای گردآوری شده است. پس از تحلیل داده‌های اولیه نتایج حاصل از مطالعه نظری حقوق شهروندی و جزای نظامی مورد مذاقه قرار گرفته است. یافته‌ها و نتایج حکایت از آن دارد اگرچه برخی ساختارهای فعلی حقوق جزای نظامی مبتنی بر آموزه‌های حقوق شهروندی ترسیم شده است لکن این گرایش حقوقی به لحاظ قدمت در تقنین و مجازات محور بودن تأسیسات کیفری آن تاکنون در قبال تحولات حقوق شهروندی، مقاومت از خود نشان داده و آخرین دستاورد های نوین عدالت کیفری بی بهره مانده است.

واژگان کلیدی: حقوق کیفری نظامی، الزامات بایسته ها، آموزه‌های حقوق شهروندی، منشور حقوق شهروندی

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.

<sup>۲</sup> دانشیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه علوم انتظامی امین، تهران، ایران. (نویسنده مسئول). barani.afarid2@gmail.com

<sup>۳</sup> استادیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران. Shahraddar.darabi@yahoo.com

حقوق جزای نظامی بعنوان یکی از گرایش‌های اختصاصی حقوق کیفری و از جمله ارکان تقویت مبانی نظم و انضباط در نیروهای مسلح بوده که هدف غایی و نهایی آن حفظ تمامیت ارضی و امنیت کشور می‌باشد. از طرفی تأمین امنیت و آسایش عمومی از جمله وظایف حاکمیت و بخشی از حقوق شهروندان تلقی می‌شود بنابراین می‌توان گفت حقوق شهروندی و حقوق جزای نظامی از نظر هدف که همانا تأمین امنیت جامعه و فراهم نمودن آسایش عمومی شهروندان می‌باشد مشترک هستند. ارائه نظریه‌ها و گفتمان‌های روزافزون از سوی جامعه شناسان، حقوقدانان و نظریه پردازان در راستای حقوق شهروندی، نشانگر نیاز دنیای نوین امروز، به ساز و کار چگونگی اجرای حقوق شهروندی در سطح جوامع است (احمدزاده، ۱۳۸۴: ۹۱). از جمله پدیده‌هایی که در عصر تحولات سیاسی - اجتماعی در جهان مورد توجه قرار گرفته است پدیده شهروندی است (مقیم و بهدین، ۱۳۹۳: ۱۵). در این راستا کارکرد حقوق کیفری نظامی در جهت انتظام بخشی به رفتارهای نیروهای مسلح در تأمین امنیت و تضمین استقلال، آزادی و تمامیت ارضی و فراهم نمودن آسایش و امنیت عمومی جامعه جهت توسعه هرچه بیشتر آزادی‌های اجتماعی برای عموم شهروندان به مراتب مهم‌تر از نقش دیگر ارگانها و نهاد های حکومتی مشمول مقررات اجرایی منشور حقوق شهروندی می‌باشد. اهمیت و نقش تأثیرگذار حقوق جزای نظامی و ارتباط آن با وظایف و مأموریت‌های نهادهای متولی امنیت و آسایش عمومی به ویژه ضابطان قضایی بعنوان بازوان اجرایی منشور حقوق شهروندی و به فراخور تدوین قوانین نوین حقوق شهروندی علی‌الخصوص منشور حقوق شهروندی ضرورت تحول در ساختارهای فعلی حقوق جزای نظامی به تناسب نیازهای پیش روی جامعه و قوانین مورد نیاز نیروهای مسلح در آینده را دوچندان جلوه می‌نماید. این تحولات، حوزه‌های مختلفی را تحت شمول خود قرار می‌دهد که در ادامه این نوشتار به تشریح آن می‌پردازیم. علی‌رغم اهمیت حقوق کیفری نظامی در پرتو آموزه‌های حقوق شهروندی و ضوابط منشور، بنظر می‌رسد این مهم در نوشتارها و تحقیقات پژوهشی و حقوقی موجود به خوبی تبیین نشده است. این در حالی است که ضوابط منشور حقوق شهروندی بخش قابل توجهی از ساختارهای نظامی و انتظامی مرتبط با حقوق شهروندی را تحت شمول خود قرار می‌دهد. مضافاً اینکه مشمولین حقوق جزای نظامی به ویژه ضابطان قضایی یکی از مهم‌ترین رکن‌ها از ارکان منشور حقوق شهروندی به‌شمار می‌آیند. در سالهای اخیر با تصویب قانون حقوق شهروندی و ابلاغ منشور ریاست جمهوری هر چند گام مهمی در جهت حقوق عامه و آزادی‌های مدنی برداشته شده است لکن علی‌رغم نقاط مشترک حقوق شهروندی با حقوق جزای نظامی و همچنین همسویی اهداف حقوق نظامی با حقوق شهروندی از جهت تأمین امنیت و آسایش عمومی جامعه و شهروندان در حوزه حقوق نظامی تحول ساختاری و حقوقی، چندان محسوس نبوده و مقنن در برنامه اصلاح و توسعه نظام حقوقی، در حقوق کیفری نظامی انعطاف پذیری کمتری از خود نشان داده است.

اگرچه حقوق جزای نظامی دارای سابقه دیرینه‌ای است لکن از جهت آکادمیک از جمله علمی بوده که اخیراً در کانون توجه قرار گرفته است از این جهت به لحاظ اهمیت آن همواره در محافل علمی و قضایی کشور مدنظر صاحب‌نظران حقوق نظامی و قضات قرار گرفته و تألیفاتی نیز در این حوزه به رشته تحریر درآمده، اما تاکنون و به صورت خاص، تألیفی در خصوص موضوع حاضر و ارتباط میان حقوق جزای نظامی و تأثیر آن در حوزه حقوق شهروندی به‌ویژه در زمینه حقوق و تکالیف نظامیان در قبال حقوق شهروندی و میزان اثرپذیری این دو حوزه از یکدیگر، پژوهشی صورت نگرفته است. در این پژوهش حقوق جزای نظامی که قدمت دیرینه‌ای داشته به صورت خاص و از منظر تأسیسات حقوقی و ساختارهای نوینی مورد بررسی قرار داده است که منطبق با علوم حقوقی نوظهور و آخرین استانداردهای حقوق شهروندی وضع شده‌اند. بنابراین موارد متعددی از تعارض‌ها و تضادهای حقوق جزای نظامی با آموزه‌های حقوق شهروندی و کاستی‌هایی که در این زمینه وجود داشته همچنین نقاط اشتراک و پیوندهای حقوقی مرتبط مورد سنجش و ارزیابی قرار گرفته و از این جهت تفوق فراوانی با سایر پژوهش‌هایی که تا کنون صورت گرفته است، دارد. از جمله پژوهش‌های این حوزه که از جهاتی با این تحقیق مرتبط می‌باشند، می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود که ضمن بررسی اجمالی آن‌ها به بیان و جوه افتراق پژوهش حاضر با آثار موجود می‌پردازیم:

مهرآبادی و میرزایی (۱۳۹۹) در مقاله‌ای تحت عنوان "مبدأ و منشأ دادرسی عادلانه در نیروهای مسلح" به لزوم بررسی و ایجاد یک نظام دادرسی عادلانه در ساختار نیروهای مسلح پرداخته و ضمن تبیین چالش‌های موجود خواستار اصلاح ساختاری می‌باشد، لکن آنچه موجب وجوه افتراق و تمایز مقاله موصوف با پژوهش حاضر می‌باشد آن است که لازمه ایجاد تحول در ساختار و تقرب به یک دادرسی عادلانه، مدنظر قراردادن آموزه‌های حقوق شهروندی و توجه بیش‌ازپیش به جایگاه شهروندان و استانداردهای موجود در این حوزه می‌باشد که سعی شده تحولات حقوق نظامی از جمله اقدامات تحول‌گرایانه در حیطه یک دادرسی عادلانه در سایه توجه به حقوق شهروندی صورت پذیرد.

عزیزی فرد (۱۳۹۶) در کتاب "مبانی حقوق شهروندی در نظام جمهوری اسلامی ایران" در رابطه با طرح نظام جامع حقوق شهروندی و ارتباط آن با مفاهیم حقوق بشر بیان می‌دارد: طرح نظام جامع حقوق شهروندی در ایران تنها با توجه به منابع قانونی و شرعی و با توجه به پیوستگی و ارتباط مفاهیم حقوق شهروندی و حقوق بشر در پرتو نظریه فطرت و حقوق طبیعی و با توجه به سنت‌های شهروندی در جوامع انسانی امکان‌پذیر است. در جای دیگر همین نویسنده در مقام تحلیل حقوقی منشور حقوق شهروندی ریاست جمهوری بیان داشته ابلاغ منشور حقوق شهروندی ریاست جمهوری در دولت یازدهم فارغ از برداشت‌های سیاسی از منظر حقوقی بحث‌مسائل و موضوعات حقوق بشری و اهتمام نظام مقدس جمهوری اسلامی را به حفظ کرامت انسانی و ارتقاء منزلت شهروندان در جامعه مبتنی بر دموکراسی و مذهب را بیش‌ازپیش مورد تأکید و اهمیت قرار داده است.

مقیمی و بهدین (۱۳۹۳) در کتاب "پلیس و حقوق شهروندی" پیرامون موضوع عنوان داشته: تلفیق بایسته‌ها و الزامات حقوق شهروندی با مأموریت‌های پلیس (در راستای پیشگیری از جرم و در مقام ضابط دادگستری، از جرم وظایف محوله پس از وقوع جرم) است و منظور از الزامات پلیس نسبت به رعایت حقوق شهروندی کلیه الزاماتی است که مبتنی بر نص صریح قانون مدون داخلی یا مبتنی بر اسناد بین‌المللی است که دارای ضمانت اجرای کیفری یا فاقد آن است یا از برخی اصول و موازین مقرر در منشورهای رفتاری پلیس اقتباس شده است. در ادامه نویسندگان این کتاب در باب الزامات فوق معتقدند میان حفظ نظم و امنیت کشور توسط پلیس و رعایت احترام به حقوق شهروندی شهروندان نوعی تعادل و توازن لازم است برقرار شود.

الهی منش و مرادی اوجقاز (۱۳۹۳) در مقاله‌ای تحت عنوان "تبلور حقوق شهروندی در فرآیند دادرسی کیفری" به بررسی لزوم رعایت حقوق شهروندی در فرآیند دادرسی کیفری به عنوان یک اصل و قاعده بنیادین و اجتناب‌ناپذیر پرداختند و نتیجه حاکی از آن بوده است که قانون آیین دادرسی کیفری ما هم با تأسی از آموزه‌های اسلام و با تأکید بر ماده واحده قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی و نیز همسو با مجمع بین‌المللی و اسناد مرتبط با آن‌ها، وضع شده است و مرکز و محوریت اصلی پژوهش مزبور ماده واحده قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی بوده که این قانون جدای از سند حقوق شهروندی می‌باشد در حالی که منشور حقوق شهروندی نهاد ریاست جمهوری از جامع‌ترین اسناد مرتبط با حقوق شهروندی به شمار می‌آید که به مباحث پیرامون حقوق و تکالیف له و علیه شهروندان پرداخته و تأثیر آن در حقوق جزای نظامی و وجود تعارضات احتمالی میان این دو از موارد وجوه افتراق و بدیع بودن پژوهش پیش رو می‌باشد.

غلامی (۱۳۹۲) در کتاب "حقوق جزای نظامی تطبیقی" در رابطه با اهمیت و جایگاه حقوق نظامی و نقش نیروهای مسلح در تأمین و تضمین آسایش عمومی و همچنین به جهت لزوم مطالعه و پژوهش در این نوع گرایش از علوم جنایی بیان می‌دارد: حقوق جزای نظامی گرایشی نو پا و نو پای این رشته در کشورها بیشتر محسوس است و به همین جهت گسترش ادبیات آن و ایجاد گفتمان فراگیر در حوزه علم حقوق امری بایسته و شایسته اندیشه، تحقیق و تألیف است. در این کتاب نویسنده بیشتر به مطالب مرتبط با حقوق جزای نظامی ایران و با نگاه تطبیقی نسبت به حقوق جزای نظامی کشورهایی مانند فرانسه، آلمان و آمریکا نگریسته است لکن در باب مسائل مربوط به حقوق شهروندی و الزامات سیستم‌های نظامی در مواجهه با آموزه‌های حقوق بشری به صورت محدود و پراکنده بحث نموده است.

علیدوستی (۱۳۸۸) در مقاله‌ای تحت عنوان "پلیس و آموزش حقوق شهروندی" به بررسی چالش و تعارض درونی وظایف پلیس درگرو آموزش حقوق شهروندی پرداختند و نتیجه حاکی از آن بوده است که کارآهدی پلیس درگرو آموزش حقوق شهروندی به اجزاء این نیرو و عموم شهروندان است. ارائه آموزش‌های لازم برای روشن شدن اذهان عمومی نسبت به حقوق شهروندی و چگونگی صیانت آن توسط پلیس، برخی برداشتهای نادرست را از میان برمی‌دارد.

بهدین و همکاران (۱۳۸۸) در مقاله "نقش ناجا در تحقق حقوق شهروندی" به بررسی نقش نیروی انتظامی - با کار کرد استقرار نظم و امنیت - در حفظ حقوق شهروندی و به صورت خاص نقش پلیس در تحقق حقوق شهروندی پرداخته است. اما در مقاله مزبور از تحولات حقوق نظامی و تأثیرپذیری این دو حوزه نسبت به یکدیگر سخنی به میان نیامده و بدین جهت با پژوهش حاضر دارای تمایز و تفاوت بوده و با بررسی منشور حقوق شهروندی به عنوان آخرین سند بیان کننده حقوق شهروندان به بررسی تحولات موجود در حقوق نظامی پرداخته شده است و نقش و جایگاه ضابطان عام دادگستری به صورت ویژه مورد توجه قرار گرفته است.

همان گونه که از نظر گذشت در این آثار صرفاً به موضوعات حقوق شهروندی و آموزه های مرتبط و یا به مسائل حقوق جزای نظامی صرفاً از نقطه نظر حقوق کیفری پرداخته شده است. لکن برخی از این نوشتارها از جهاتی با تحقیق نگارنده وحدت موضوع دارند. این موضوعات در عناوینی مانند: دادرسی عادلانه، طرح نظام جامع حقوق شهروندی، شناخت مبانی حقوق شهروندی، پرداختن به وظایف و تکالیف ضابطان در قبال حقوق شهروندی و چالش های آن همچنین پرداختن به نقش پلیس در تحقق حقوق شهروندی و تکالیف دولت ها در قبال حقوق عامه جملگی موضوعاتی بوده که با این پژوهش دارای فصل مشترک هستند. لکن وجه تمایز و تفوق این پژوهش با آثار علمی فوق در محورهای ذیل خلاصه میگردد: شناسایی ساختارهای مبتنی بر حقوق شهروندی در حقوق جزای نظامی، تبیین جلوه های پیشینی حقوق شهروندی و جلوه های نوین حقوق شهروندی در حقوق جزای نظامی، شناسایی پیوندها و نقاط مشترک حقوق جزای نظامی با حقوق شهروندی، تبیین و چاره های و تعارض های حقوق جزای نظامی با حقوق شهروندی، تعیین الزامات و بایسته های تحولی حقوق جزای نظامی متأثر از منشور حقوق شهروندی، پرداختن به ضوابطی از منشور که مرتبط با وظایف و تکالیف مضمولین حقوق نظامی می باشد و تبیین چالش های موجود و همچنین بررسی اثربخشی و هممتا سازی حقوق جزای نظامی با آموزه های حقوق شهروندی و ضوابط منشور حقوق شهروندی نهاد ریاست جمهوری از جمله مواردی هستند که می توان آنها را نوآوری های این پژوهش نیز تلقی نمود؛ چرا که تبیین و پرداختن به مقوله های مزبور و بدیع بودن این موضوعات در حقوق جزای نظامی مؤلفه هایی هستند که در هیچ یک از نوشتارهای موجود به این موارد پرداخته نشده است. لکن از این جهت در نوع خود موضوعاتی به روز و چالش برانگیز می باشند.

#### یافته ها

الزامات اصول دادرسی منصفانه مبتنی بر منشور در حقوق جزای نظامی. جهت رعایت حقوق شهروندی در دادخواهی عادلانه باید هنجارهای مختلفی بررسی شود. این هنجارها به چند دسته تقسیم می شوند دسته اول هنجارهای داخلی هستند و در قانون اساسی و قوانین عادی آن کشور دیده می شود. دسته دوم کنوانسیون های بین المللی هستند و میزان پایبندی کشورها به این کنوانسیون ها بیانگر میزان اعتقاد به موازین حقوق بشری و رعایت مفاد این اسناد است. ایران به میثاق حقوق مدنی و سیاسی که عهده ترین مباحث را در خصوص حق دادرسی عادلانه بیان نموده است ملحق شده است و با اقتباس از این کنوانسیون مقررات داخلی را تصویب و یا اصلاح کرده است. بنابراین در بند ۱۴ اصل ۳ قانون اساسی به تأمین امنیت قضائی برای شهروندان اشاره شده

است و قانون‌گذار به صراحت از اصول دادرسی عادلانه صحبت نکرده است اما به نظر می‌رسد حق دسترسی به امنیت قضایی را به عنوان یکی از اصول دادرسی عادلانه در نظر دارد. اصل برائت، اصل منع شکنجه، بطلان اقرار حاصل از شکنجه، حق متهم برای داشتن وکیل، حق شهروندان در مراجعه بدون مشکل به مراجع قضائی به عنوان اصول دادرسی عادلانه اشاره شده است. همچنین قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۹۲ بیشترین توجه را به اصول دادرسی عادلانه معطوف داشته است و از ماده ۲ تا ۷ این قانون تحت عنوان حق تساوی افراد در مقابل قانون، اصل برائت، اصل بی طرفی دادگاه‌ها، اصل استقلال دادگاه‌ها، اصل قانونی بودن دادرسی، اصل اطلاع متهم از ماهیت و عنوان اتهام و رعایت حقوق شهروندی در دادگاه‌ها و غیره را نام برده است. در واقع شهروندی نه یک موقعیت منصفانه بلکه یک موقعیت فعالانه است که به کمک مجموعه‌ای از حقوق و وظایف و تعهداتش راهی را برای توزیع و اداره عادلانه منابع از طریق تقسیم منافع و مسئولیت‌های اجتماعی ارائه می‌کند و بیشتر از هر هویت دیگری قادر است انگیزه سیاسی انسان‌ها را ارضا نماید. شهروندان اجزایی از یک سیستم هستند که با در اختیار داشتن لوازم و ابزار مورد نیاز، هر کدام، کارکرد مشخصی دارند و ایجاد سامان و نظم در حوزه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی مستلزم کارکرد صحیح هر یک از این عناصر در کنار سایر مؤلفه‌های مؤثر، از جمله دولت است. ویژگی دیگر شهروندی این است که بر اساس آن، شهروندان رسماً از عضویت مشروع و برابر در یک جامعه بهره‌مند و هیچ عاملی نمی‌تواند عضویت مشروع شهروندان را از آنان سلب نموده و یا برای آنها سلسله مراتبی قرار دهد (marshal.2015:116). فصل سیزدهم منشور حقوق شهروندی ذیل عنوان «حق برخورداری از دادرسی عادلانه» بیشترین هوادار در بین فصول منشور به خود اختصاص داده است که حدود ۳۰ حق در همین ۱۲ ماده شناسایی یا بازشناسی شده است و این موضوع نشان از اهمیت بالای موضوع دارد. ماده ۵۶ منشور حقوق شهروندی به حق شهروندان در دسترسی به دادخواهی عادلانه و باسہولت در مراجع اداری، انتظامی و غیره اشاره نموده است. در ذیل به بررسی اصول دادرسی عادلانه که در منشور حقوق شهروندی مورد تصریح قرار گرفته است می‌پردازیم:

اصل برائت: اصل برائت یا اماره قانون بی‌گناهی جزئی از محتوای یک نظام قضایی عادلانه است و مدعی‌المعلوم را ملزم می‌کند تا مجرمیت متهم را ثابت نماید. البته در امور مدنی نیز قاعده «البینه علی المدعی» جاری است و بنابراین بر مدعی است که ادعای خود را به اثبات برساند، ولی در حقوق جزا بار دلیل سنگین‌تر و شک و تردید به نفع متهم است (گلدوزیان، ۱۳۸۵: ۱۳۰). در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به موجب اصل سی و هفتم، این اصل به رسمیت شناخته شده است بنحویکه مقرر می‌دارد: «اصل بر برائت است و هیچس از نظر قانون مجرم شناخته نمی‌شود مگر اینکه جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد». اصل برائت در کنوانسیون‌ها و مجامع بین‌المللی هم به صراحت مورد تأکید قرار گرفته و به رسمیت شناخته شده است. ماده ۱۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر که به نوعی متناظر با این اصل می‌باشد بیان می‌شود: «هرکس متهم به ارتکاب جرمی باشد، تا وقتی تقصیر او طی محاکمه علنی که در آن هرگونه تضمین ضروری برای دفاع تأمین شده باشد قانوناً به ثبوت نرسد، بی‌گناه

محسوب می شود. همچنین هیچکس به علت ارتکاب عملی یا خودداری از عملی محکوم نخواهد شد مگر وقتیکه آن رفتار به موجب قوانین ملی یا بین‌المللی در هنگام ارتکاب، جرم باشد و نیز هیچکس به مجازاتی بیش از مجازات مقرر در هنگام ارتکاب جرم محکوم نخواهد شد. بند ۲ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مقرر داشته است: «هرکس به ارتکاب جرمی متهم شده باشد، حق دارد بی‌گناه فرض شود تا این‌که مقصر بودن او به موجب قانون به اثبات برسد».

اصل براءت در قوانین عادی هم مورد تأکید قانونگذار ایران قرار گرفته است. پذیرش اصل براءت و آثار ناشی از آن در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نیز در موارد متعددی از جمله مواد ۲، ۱۲۰، ۱۲۱ و نیز ماده ۲۱۸ و تبصره او ماده ۲۹۰ همین قانون در راستای پذیرش اصل هذبور در نظام قانونگذاری ایران پرداخته اند. مضافاً در بند ۲ ماده واحده قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳ در ارتباط با این اصل مهم مقرر داشته است: «... تا جرم در دادگاه صالح ثابت نشود و رأی مستند و مستدل به مواد قانون و یا منابع معتبر قطعی نگردیده، اصل بر براءت متهم بوده و هرکس حق دارد در پناه قانون از امنیت لازم برخوردار باشد».

حق همراه داشتن وکیل: اغلب نظام‌های مترقی در دنیا حق همراه داشتن وکیل وامکان مشاوره در امور کیفری را به موجب قوانین داخلی خود پیش‌بینی نموده‌اند. چنین حقی برای تضمین یک محاکمه منصفانه که در آن تسهیلات کافی برای تهیه دفاع دارد، ضروری است. اهمیت این حق چنان است که نه تنها یادآوری آن به متهم الزامی است، بلکه در صورت عجز مالی متهم، دولت‌ها موظف شده‌اند برای او وکیل تسخیری برگزینند. در اساس‌نامه دادگاه بین‌المللی کیفری نیز پیش‌بینی شده، در صورتی که متهم توان کافی برای پرداخت حق‌الوکاله را نداشته باشد، در هیچ صورتی چیزی از او دریافت نخواهد شد (گودرزی، ۱۳۸۵: ۵۷). این حق به موجب ماده ۲-۵۵ اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی روم و کمیته حقوق بشر مورد تصریح قرار گرفته است. یکی از حقوق مصرح در منشور حقوق شهروندی و اسناد بین‌المللی که لازمه برخورداری از یک دادرسی عادلانه است، حق دسترسی به پرونده و حق انتخاب وکیل است، چرا که دسترسی به پرونده قضایی از حیث شناسایی ادله، مدارک و آمادگی برای دفاع امری بدیهی بوده و از سویی دیگر، دفاع شایسته در مقابل اتهامات، جز با انتخاب وکلای حاذق و متخصص میسر نمی‌گردد، لکن این حقوق در حوزه حقوق نظامی گاهی با محدودیت‌ها و تعارض‌هایی روبرو می‌شود که با اصول و مبانی دادرسی منصفانه همخوانی ندارد. به عنوان مثال در تحقیقات مقدماتی پرونده‌های خاص به ویژه اتهامات با مجازات‌های سنگین که نقش وکیل و آزادی در انتخاب آن در دفاع از حقوق متهمین از اهمیت بالایی برخوردار است، نظامیان دارای محدودیت‌هایی می‌باشند و چنانچه که شایسته است حق دسترسی به پرونده اتهامی و انتخاب وکیل در مراحل اولیه که شالوده و اساس تحقیقات می‌باشد را نداشته و ماده ۶۲۵ قانون آیین دادرسی کیفری (بخش نیروهای مسلح) نیز مؤید همین امر بوده و مقرر می‌دارد: «در جرایم علیه امنیت کشور یا در مواردی که پرونده مشتمل بر اسناد و اطلاعات سری و به کلی سری است و رسیدگی به آن‌ها در

صلاحیت سازمان قضایی نیروهای مسلح است، طرفین دعوی، وکیل یا وکلای خود را از بین وکلای رسمی دادگستری که مورد تایید سازمان قضایی نیروهای مسلح باشد، انتخاب می‌نمایند».

تبصره: «تعیین وکیل در دادگاه نظامی زمان جنگ تابع مقررات مذکور این ماده است» و محدودیت هایی که به موجب فصل پنجم از دادرسی نیروهای مسلح از جمله این تعارضات می باشد و این یکی از نقاط ابهام در حقوق نظامی و دارای تناقض با آموزه های اصول دادرسی منصفانه و حقوق مندرج در منشور حقوق شهروندی می باشد.

حق برابری و مساوات: اصل مساوات و برابری، اولین سنگ بنای اسلام است و سایر ادیان تا این میزان برای برابری و مساوات اشخاص ارزش قائل نبوده اند و این تفاوت دیدگاه، ناشی از اختلاف بینش در شناخت شخصیت و ویژگی های والای انسانی می باشد. در همین راستا در قرآن کریم به عنوان مهم ترین و کامل ترین نسخه سعادت بشری و الگوی زندگی مسلمانان آمده است «الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً» (سوره مبارکه نساء، آیه ۱) و همه افراد دارای ارزش یکسان بوده و از منظر اسلام تنها ملاک برتری در تقوی است، همچنین با اطلاق واژه شهروند به افراد عضو جامعه، نمیتوان برای آنها موقعیت های نابرابر متصور شد. در واقع، شهروندی وصفی است عادلانه برای همه افراد و آحاد یک ملت که در قالب آن کلیه افراد از وضعیتی یکسان و برابر برخوردار می باشند. بر این مبناست که شهروندی موجبات همگرایی و همبستگی اجتماعی را فراهم میسازد. رابطه چند سویه بین دولت، جامعه و شهروندان ایجاب می کند که منافع فردی مستلزم تأمین منافع ملی و اجتماعی باشد و بالعکس و بر این اساس، شهروندی در عین حال که مجموعه حقوقی را برای شهروندان معین می کند و آنها را بدون استثناء بهره مند از این حقوق می داند، تکالیفی را هم برای آنها متصور می شود که باید به آنها پردازد. این حقوق و تکالیف لازم و ملزوم یکدیگرند و هیچ یک را نمی توان بدون دیگری تصور کرد و شهروندی علاوه بر حقوق، بر تکالیف و تعهدات نیز دلالت دارد (greavlhvahas.2006:99). از جمله حقوق اصحاب دعوی که ریشه در دادرسی منصفانه دارد، رعایت اصل هم ترازوی حقوق طرفین دعوی است. بر مبنای این اصل اصحاب دعوی باید از یک سو، فرصت کافی برای طرح دعوی، بیان دیدگاهها و دفاع از خود و از سوئی دیگر، امکان دسترسی به پرونده، ادله اتهامی و... را داشته باشند. بنابراین طرفین دعوی بایستی از حقوق و امتیازات برابری برخوردار باشند چراکه عدم رعایت این اصل و برهم خوردن توازن آن موجب یک دادرسی ناعادلانه و غیرقابل پذیرش خواهد شد (تدین و خانجانی، ۱۳۹۵: ۹۵). این اصل در قوانین کشور نیز همواره مورد توجه قرار گرفته و در فصل سوم قانون اساسی که به موضوع حقوق ملت اختصاص دارد اولین اصل آن یعنی اصل نوزدهم بیان می دارد: «مردم ایران از هر قوم و قبیله ای که باشند از حقوق مساوی برخوردارند...» و این مهم به عنوان یک اصل بنیادین در بند (ب) منشور حقوق شهروندی و ذیل عنوان حق کرامت و برابری انسانی بدان تصریح شده است. به نظر می رسد جایگاه این اصل بنیادین در دادرسی های نظامی، با محدودیت هایی روبرو باشد چرا که برابر اصل مزبور، همه آحاد ملت اعم از نظامیان و غیر نظامیان از منظر قانون یکسان بوده و



دارای بهره مندی های یکسانی می باشند، لکن رسیدگی در محاکم اختصاصی از جهت شدت و قطعیت مجازات ها در این محاکم در سطح کلان، با آموزه های حقوق شهروندی و اصل هم ترازای حقوق طرفین دعوی منافات دارد. به عقیده برخی از اساتید حقوق، رسیدگی در محاکم اختصاصی چنانچه که شایسته است حقوق نظامیان را تامین نمی نماید و حتی در پاره ای موارد موجب تضییع حقوق آنان می گردد و وجود عناوین موسوع و گسترده قانونی همچون اقدام خلاف شئون نظامی یا ایجاد جو بد بینی نسبت به نیروهای مسلح دارای مصادیق متعددی بوده و ملاک و معیار دقیقی در خصوص تشخیص این موارد وجود ندارد. بنابراین لازم است حقوق نظامی در جهت تامین هر چه بیشتر آموزه های حقوق شهروندی، در راستای اصلاح و بازنگری در قوانین موجود و تعیین گستره و مصادیق عناوین جزایی فوق، گامی بلند بردارد.

حق ارتباط: متهمین نظامی به ویژه افراد بازداشت شده به موجب عمومات قانون آیین دادرسی کیفری علاوه بر حق داشتن وکیل و ارتباط با وکلای مدافع، حق ارتباط با سایر افراد از جمله ارتباط با اعضای خانواده و مطلع نمودن اعضای خانواده از وضعیت خود را دارند. حق مزبور برای حفاظت از حقوق و حق اطلاع خانواده از سرنوشت متهم این است که جهت رعایت حقوق انسانی و احترام به شخصیت خانوادگی آنان می باشد. به موجب ماده ۵۰ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲، پس از تحت نظر قرار گرفتن هر شهروندی از سوی ضابطان قضایی ضابطان مکلفند به وسیله تلفن یا هر وسیله ممکن افراد خانواده یا آشنایان فرد تحت نظر را آگاه سازند و مساعدت لازم را در این خصوص به عمل آورند، مگر آنکه بنا به ضرورت تشخیص دهند که فرد تحت نظر نباید از چنین حقی استفاده نماید، البته در مورد اخیر دلایل توجیهی لازم است از سوی ضابطان ارائه شود چرا که اصل بر برقراری تماس و اطلاع خانواده و بستگان از وضعیت فرد تحت نظر است. همچنین به موجب بند ۵ ماده واحده قانون احترام به آزادی های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳، اصل منع دستگیری افراد ایجاد می نماید در موارد ضروری که افراد به موجب قوانین تحت نظر قرار می گیرند در مهلت مقرر، پرونده به مرجع صالح قضایی ارسال شود و خانواده دستگیرشدگان در جریان قرار گیرند. مضافاً اینکه به موجب ماده ۶۴ منشور حقوق شهروندی، بازداشت شدگان، محکومان و زندانیان حق دارند از حقوق شهروندی مربوط به خود از جمله ارتباط و اطلاع از خانواده و غیره بهره مند شوند.

حق اعتراض: برابر ماده ۸ اعلامیه جهانی حقوق بشر که اشعار می دارد: «در برابر اعمالی که حقوق اساسی فرد را مورد تجاوز قرار بدهد و قانون اساسی یا قانون دیگری آن حقوق را برای او به رسمیت شناخته باشد، هر کس حق رجوع موثر به محاکم ملی صالح را دارد.» همچنین به موجب ماده ۴-۹ میثاق که مقرر داشته «هرکس که بر اثر دستگیری یا بازداشت (زندانی) شدن از آزادی محروم می شود، حق دارد به دادگاه تظلم کند؛ به این منظور که دادگاه بدون تاخیر درباره قانونی بودن بازداشت اظهار نظر کند و در صورت غیر قانونی بودن بازداشت حکم آزادی او را صادر کند. بنابراین دولت های عضو میثاق متعهدند که در مقررات داخلی خود و در آیین دادرسی کیفری به قابل اعتراض بودن بازداشت موقت که باید به شکل کتبی و در قالب قرار قضایی صادر شود، تصریح کرده و امکان قانونی رسیدگی به این تجدید نظرخواهی را بدون تضییع وقت فراهم کند (گودرزی، ۱۳۸۵: ۵۹).

اصل غیرقطعی سازی آراء و تصمیمات قضایی و پیش‌بینی حق اعتراض در کلیه مراحل رسیدگی قضایی اعم از قرارهای دادسرا شامل: منع تعقیب، موقوفی تعقیب، اناطه، قرار بازداشت موقت، ابقاء و تشدید تامین کیفری و قرار تامین خواسته و پیش‌بینی حق اعتراض به آراء صادره از دادگاه‌های کیفری و حقوقی با در نظر گرفتن قواعد قانونی جهت اعتراض، تجدیدنظر و فرجام خواهی نسبت به آراء محاکم مزبور در مواردیکه قانون تعیین نموده است. منشور حقوق شهروندی نهاد ریاست جمهوری داشتن حق اعتراض شهروندان و تجدیدنظرخواهی از احکام دادگاه‌های کیفری، حقوقی مراجع اداری، مراجع شبه قضایی بر اساس معیارهای قانونی را مورد شناسایی و تاکید قرار داده است. به موجب ضوابط کلی منشور پیشینی حق اعتراض شهروندان نسبت به کلیه تصمیمات و اقدامات ناعادلانه مسئولین در حوزه‌های مختلف سیاسی اجتماعی قضایی فرهنگی ورزشی رفاهی و غیره را در شئون مختلف در نظر گرفته است تا به نحو شایسته حقوق شهروندان را تضمین نماید.

سایر حقوق: برای تحقق کامل آموزه‌های حقوق شهروندی شایسته است حقوق پیش‌بینی شده در همه قوانین مدون اعم از قوانین عادی، قانون اساسی، قوانین کیفری مقررات اداری، مقررات انضباطی و جملگی حقوق افراد جامعه و شهروندان در همه سطوح تحت شمول حقوق شهروندی و آموزه‌های ناشی از آن باشد. لکن آنچه در این بخش حائز اهمیت است اصول دادرسی منصفانه و مرتبط با حقوق دفاعی شهروندان در فرایند دادرسی می‌باشد که در بندهای قبل به آن پرداخته نشده است. این حقوق شامل اصل مشروعیت تحصیل دلیل، اصل مصونیت اشخاص در برابر هرگونه اقدام محدود کننده حقوق و آزادی‌های فردی، ممنوعیت هتک حرمت و حیثیت متهمین و مجرمین در فرآیند تعقیب، رسیدگی صدور حکم و اجرای حکم، حق تفهیم حقوق دفاعی متهمین، منع اعمال روش‌های خشن غیر انسانی ظالمانه و موهن، حق تفهیم حقوق شهروندی، ممنوعیت تبعیضی در انتخاب وکیل، اصل منع محاکمه و مجازات مضاعف، اصل رعایت بی‌طرفی، اصل علنی بودن رسیدگی در مرحله دادگاه، اصل تساوی سلاح‌ها، اصل قانونی بودن اجرای کیفر، ممنوعیت اعمال مجازات‌های بدنی برای نظامیان به موجب به ارتکاب جرائم نظامی، رعایت دادرسی افتراقی ویژه کودکان، بانوان و افراد توانخواه، ضوابط حمایتی ناشی از اشتباهات قضایی، پذیرش اصل عطف بما سبق نشدن قوانین ماهوی کیفری، پیش‌بینی نهاد های ارفاقی و مجازات‌های جایگزین حبس، پیش‌بینی مقررات کیفری در موارد نقص حقوق شهروندی از جمله حقوقی است که موجبات یک دادرسی منصفانه مبتنی بر آموزه‌های حقوق شهروندی را بوجود می‌آورد.

الزامات تحولی در سیاست‌ها و تدابیر (حکمرانی مطلوب). بانک جهانی اصطلاح «حکمرانی خوب» را در اوایل دهه ۱۹۹۰ برای عملکرد اقتصادی وضع کرد اما به مرور این واژه به سایر جنبه‌های حکمرانی نیز سرایت کرد. دولت‌های موفق در صورتی برای کشور و مردم خود سعادت می‌آورند که در زمینه‌های گوناگون، حکمرانی خوب داشته باشند. در حوزه سیاست جنایی و مبارزه با جرائم نیز باید همین حکمرانی وجود داشته باشد. یکی از جنبه‌های حکمرانی خوب، پیشگیری از جرم است؛ به نحوی که هر دولتی بتواند آمار جرائم را بیشتر کاهش دهد و از وقوع جرائم، پیشگیری کند، حکمران خوبی به حساب می‌آید (دهقانی، ۱۳۹۹: ۸۰). حکمرانی خوب،

شاخص های زیادی دارد مانند: مسئولیت پذیری، پاسخگویی، قانون مداری، عدالت ورزی، دادرسی عادلانه، حق اظهار عقیده، مبارزه با فساد، شفافیت و... و اکثر این شاخص ها ارتباط تنگاتنگ با اخلاق دارند. دولت الکترونیک یکی از زمینه های تحقق حکمرانی خوب است و اگر دولت بتواند فضای مجازی مناسبی فراهم کند که کمتر بتوان از آن به عنوان ابزاری برای فساد و جرم استفاده کرد و این فضا، وسیله ای برای تحقق اخلاق در جامعه شود، حکمران خوبی محسوب می شود؛ به ویژه آنکه زمینه های پیشگیری از جرم فراهم گردد (قلی پور سوته و همکاران، فصلنامه اخلاق در علم و فناوری، ۱۳۹۸: ۱۸۸). با توجه به اینکه تحولات حقوق کیفری با مفهوم علمی از اوایل قرن نوزدهم و آغاز و رفته رفته در قرون بیستم و بیست و یکم در مسیر رشد و تعالی خود قرار گرفته است تحولاتی که در حقوق جزا به ویژه سیاست جنایی ایران صورت گرفته است روند رو به رشدی داشته لکن آهنگ این تحولات در مسیر حقوق شهروندی با فراز و فرودهایی همراه بوده است به جرأت می توان گفت در ایران آغاز سیاست جنایی همزمان با ورود دین مبین اسلام به ایران بوده است که بر موازین حقوق شهروندی و حقوق بشری تاکید فراوان داشته است. اما در حقوق نظامی هرچند که ردپای سیاست جنایی مبتنی بر آموزه های دینی به وضوح دیده می شود لکن سرعت تحولات آن بر پایه حقوق شهروندی مورد انتظار نبوده است. این تحولات را از حیث موازین حقوق شهروندی در حوزه های مختلف تقنینی، قضایی، کیفری و سیاست جنایی مشارکتی مورد بررسی قرار می دهیم.

سیاست جنایی تقنینی: قانون اصول محاکمات جزایی در سال ۱۲۹۰ که بعداً تغییر نام داد به نام قانون آیین دادرسی کیفری ۱۲۹۰ با اصلاحاتی در سال ۱۳۱۸ سیر تحولی خود را آغاز نمود. این قانون تا سال ۱۳۷۸ که قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب به تصویب رسید برای کلیه محاکمه اعم از محاکم نظامی و محاکم عمومی و انقلاب ادامه داشت پس از سال ۱۳۷۸ این قانون منع شد و صرفاً برای محاکم نظامی به قوت خود باقی بود و این مسیر تحولی بسیار کند تا سال ۱۳۹۲ در حقوق نظامی ادامه داشت تا با تصویب قانون آیین دادرسی کیفری به تاریخ ۱۳۹۲/۱۲/۴ بالاخره حقوق نظامی نیز در شمول این تحولات قانونی قرار گرفته است. یقیناً مهم ترین اثر تحولی که در سیاست جنایی محاکم نظامی ادامه داشته است و محاکم نظامی به آن پایبندی نشان داده اند علیرغم حقوق کیفری عمومی، نظام دادرسی مختلط یعنی دو مرحله ای بودن دادرسی یکی نهاد دادرسی نظامی و دیگری نهاد دادگاه های نظامی می باشد. سایر نظام های دادرسی از جمله نظام دادرسی اتهامی و نظام دادرسی تفتیشی هر کدام به نوبه خود دارای ویژگی هایی هستند لکن نظام دادرسی در حقوق نظامی دارای تمام این ویژگی ها می باشد به نحوی که در مرحله دادرسی نظام دادرسی تفتیشی حاکم است و در مرحله دادگاه و دادرسی به معنای خاص نظام دادرسی اتهامی سیاست جنایی تقنینی در حقوق نظامی از نظر قوانین ماهوی بعد از اصلاحات قانون اساسی و تشکیل سازمان قضایی نیروهای مسلح دو مرحله تحول را تجربه نموده است یکی تصویب قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح در سال ۱۳۷۱ سپس تصویب قانون ماهوی مترقی تری در سال ۱۳۸۲ که نسبت به قانون ۱۳۷۱ تحولات بیشتری به موجب آن در حقوق نظامی صورت گرفته است که از جمله آن را می توان حذف مجازات های تزدیلی و شلاق، حذف اقامت اجباری در نقطه یا نقاط معین، تا سیس نهاد های

ارفاقی و شمول آن بر حقوق نظامی را می‌توان نام برد. این تأسیسات جدید در زمره تحولات تقنینی مبتنی بر حقوق شهروندی به شمار می‌آید.

سیاست جنایی قضایی: با توجه به ساختارهایی که در حقوق کیفری ها و وجود دارد سیاست جنایی قضایی را می‌توان ساز و کاری نامید که با استفاده از ابزارهای قانونی، مقامات و مسئولان قضایی به بهترین شکل ممکن علیه بزهکاری واکنش نشان می‌دهند از اینرو می‌توان یکی از الگوهای موفق سیاست جنایی قضایی در راستای تحول مطلوب دستگاه عدالت کیفری سند تحول قضایی قوه قضاییه می‌باشد. این فرآیند حوزه امور شکلی شامل شیوه رسیدگی، اطلاع دادرسی، مرحله تعقیب، مرحله دادرسی و اجرای حکم و غیره و همچنین امور ماهوی شامل استفاده مناسب از نهادهای ارفاقی شامل آزادی مشروط، نظام نیمه آزادی مشروط، تعلیق مجازات ها، تعویق مجازات ها، معافیت از کیفر استفاده از مجازات های جایگزین حبس، تعلیق تعقیب و حتی چگونگی استفاده از تشدید مجازات ها، استفاده از مجازات های تکمیلی و تجمیعی را در بر می‌گیرد. یکی از الگوهای موفق در حقوق نظامی به بررسی این ظرفیت های قانونی و چگونگی اعمال آن در محاکم نظامی در راستای سیاست جنایی قضایی در حقوق نظامی می‌پردازیم. در ارتباط با امور شکلی در حوزه حقوق نظامی قانون آیین دادرسی مصوب ۱۲۹۰ تا قبل از تصویب قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ تنها قانون کاربردی در امور شکلی حقوق نظامی محسوب می‌گردید. بعد از تصویب قانون اخیر به طور کلی قانون دادرسی نیروهای مسلح به بخش آخر قانون آیین دادرسی کیفری عمومی اضافه شد با این تحولات امور شکلی در حقوق نظامی و استفاده از ظرفیت های قانونی در راستای یک سیاست جنایی قضایی متناسب با نیروهای مسلح هموارتر شده است. ماده ۶۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ مقرر می‌دارد: «مواردی که مقررات ویژه ای برای دادرسی جرایم نیروهای مسلح مقرر نگردیده است، تابع مقررات عمومی آیین دادرسی کیفری است.» در امور شکلی حقوق نظامی تابع مقررات عمومی بود مگر اینکه مقررات خاصی در دادرسی نیروهای مسلح پیش بینی شده باشد بنابراین می‌توان گفت در حوزه شکلی استفاده از ظرفیت های قانونی مبتنی بر سیاست جنایی قضایی غالباً یکسان است. از این جهت چرخش تحول آفرین بر پایه شناسایی چالش ها رفع موانع رسیدگی و اطلاع دادرسی در حقوق نظامی، تدوین راهبردها در مسیر اصلاح یا تغییر رویه ها، اتقان آراء، تخصصی نمودن فرآیندهای رسیدگی به منظور دستیابی به سیاست جنایی مطلوب با امعان نظر به ساز و کارهای تامین کننده حقوق شهروندی، قابل تحقق است. همچنین استفاده از فناوری های هوشمند در صدور آراء و تصمیمات قضایی، استفاده از ظرفیت تخصصی کارشناسان نظامی، کاستن از مراحل غیرضروری دادرسی و استفاده بهینه از بسترهای ایجاد شده در دادرسی الکترونیکی در رسیدن و دستیابی به اصول سیاست جنایی قضایی و حکمرانی مطلوب در این زمینه بسیار موثر خواهد بود. در ارتباط با امور ماهوی سیاست جنایی قضایی ایران در دهه اخیر به دنبال تحقق سیاست جنایی نوین به ویژه تأسیسات ارفاقی که پس از تصویب قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ شکل گرفته است. استفاده از ظرفیت های حقوقی ایجاد شده در این قانون و کاربردی نمودن آن در حقوق نظامی بسیار حائز اهمیت است.

قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح به عنوان یکی از منابع اصلی حقوق نظامی به نوعی استفاده از نهاد های ارفاقی در صدور و اجرای آراء محاکم نظامی را تجویز نموده است. البته با تاکیدى که قانون جرایم نیرو های مسلح داشته دادگاه های نظامی را مکلف به استناد و صدور حکم بر اساس همان قانون نموده و مقررات تخفیف و تبدیل مجازات را هم تابع قانون مزبور نموده است. لکن این به معنای آن نیست که قضات نتوانند در راستای یک سیاست قضایی موثر و کارآمد اقدام نمایند چرا که تاسیساتی که در راستای سیاست قضایی در تحولات اخیر قوانین موضوعه به وجود آمده است تأسیسات جدیدی بوده که اساساً در حقوق نظامی وجود نداشته است لذا در اعمال و اجرای آن در حقوق نظامی منعی وجود ندارد. نهاد های ارفاقی تعویق صدور حکم، تعلیق اجرای مجازات، نظام نیمه آزادی مشروط، نظام آزادی مشروط مجازات های جایگزین حبس که امکان آن در حقوق نظامی نیز فراهم است از تأسیسات جدیدی هستند که عمدتاً از حقوق اروپا به ویژه حقوق فرانسه اقتباس شده است. قرار تعویق صدور حکم قانون گذار ایران برای اولین بار در ماده ۴۰ قانون مجازات اسلامی پیش بینی کرده است. این نهاد حقوقی مبتنی بر نظریه برچسب زنی است و در حقیقت راهی برای مقابله با آثار زیان بار برچسب مجرمیت افراد است. ساز و کار این ماده با هدف اصلاح و تربیت مرتکب تنظیم شده است و سبب کیفرزایی نیز می گردد (مصدق، ۱۳۹۲: ۱۳۴). تعلیق اجرای مجازات و سایر نهادهای مشابه و پیش بینی شده در قوانین جزایی نیز یکی از آموزه های مکتب «عدالت ترمیمی» می باشد. این نهاد هم اکنون در حوزه پی شگیری از وقوع جرم به موجب صدور آراء محاکم نظامی نقش موثری دارد به لحاظ جلوگیری از تحمل عواقب زیان بار مجازات برای نظامیان و آثاری که مجازات بر روی یک فرد نظامی و خانواده او دارد و همچنین به لحاظ فرصتی که به فرد محکوم داده می شود تا گذشته خود را جبران نماید ساز و کار بسیار مناسبی می باشد

سیاست جنایی مشارکتی: سیاست جنایی مشارکتی یکی از جلوه های نوین عدالت ترمیمی می باشد. واکنش های کیفری و قهرآمیز در برخی جرائم، دیگر پاسخگوی نیاز جامعه در تامین امنیت قضایی شهروندان نخواهد بود. در حقوق نظامی، میانجی گری کیفری صراحتاً پیش بینی نشده است، اما امکان احیاء سیاست جنایی مشارکتی در حقوق نظامی نیز وجود دارد. نخستین گام در جهت پیشگیری از جرم را آموزش، تعلیم و تفهیم مفاهیمی از قبیل خوب - بد، باید - نباید، روا - ناروا، حق - ناحق، صحیح - باطل و نیز انذار از عواقب و تبعات بدکاری و تبشیر به پاداش های نیکوکاری، اولین عامل هنجارمندی رفتار انسان به شمار می آید (حسینی، ۱۳۸۳: ۲۱۷). همه ی این ها از طریق آموزش محقق خواهد شد. بنابر این سازمان های مردم نهاد می توانند با اتخاذ رویه های پیشگیرانه اجتماعی نسبت به جرم از طریق کارکرد آموزشی خویش البته در تعاملی منسجم و هدفمند با ارکان نظام عدالت کیفری، نخستین گام را در جهت اجرای سیاست جنایی مشارکتی پیشگیرانه بردارند. بخش عمده ای از سازمان های مذکور تحت عناوینی چون انجمن های علمی، فرهنگی، هنری، آموزشی و غیره در جهت جامعه عمل پوشاندن به این کارکرد - کارکرد آموزشی - فعالیت می کنند؛ به عبارت دقیق تر، کارکرد آموزشی سازمان های مردم نهاد، سایر فعالیت های سازمان های مذکور را جهت دهی می کند. حتی سازمان هایی که در زمینه های رفاهی و حمایتی فعالیت می کنند مانند انجمن حمایت از کودکان، خانواده و زنان، به فعالیت های آموزشی نیز مشغولند (رستمی، ۱۳۸۴:

۱۱۹). قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ فصل جدیدی از سیاست جنایی مشارکتی را در ایران تجویز نموده است که در قالب میانجی‌گری کیفری تجلی یافته است. بدین ترتیب که مقامات قضایی در جرائم تعزیری درجه شش، هفت و هشت با درخواست متهم و جلب موافقت بزه دیده برای تحصیل گذشت شاکی یا جبران خسارت ناشی از جرم حداکثر تا ۲ ماه به متهم مهلت داده می‌شود یا اینکه برای حصول سازش بین ترفین موضوع را با توافق آنان به شورای حل اختلاف یا شخص یا مؤسسه‌ای برای میانجی‌گری ارجاع دهند. این تحول در حقوق نظامی نیز بنابه دلایل و استنتاج ذیل در حقوق نظامی قابلیت اعمال دارد:

اولاً: آنچه در مقرر مزبور آمده است اشاره دارد: «... مقام قضایی میتواند برای حصول سازش ...» منظور از مقام قضایی شامل هر مقامی اعم از مقامات محاکم نظامی یا محاکم عمومی، محاکم داد سرا و یا مقامات دادگاه می‌باشد.

ثانیاً: نوع جرم و میزان مجازات قانونی در جرائم درجه شش، هفت و درجات هشت میباشد که قابل تعلیق باشند. بنابراین، در حقوق نظامی جرائم داریم که از درجات فوق میباشند و مطابق صدر ماده ۸۲ ق.ا.د.ک م صوب ۱۳۹۲ قابل تعلیق هستند. به عنوان مثال: در حقوق نظامی عناوین جزایی از قبیل لغو دستور به استثنای لغو دستور در شرایط جنگی و یا حرکت به سمت دشمن یا محاربان (موضوع ماده ۲۸ ق.م.ج.ن.م) تیراندازی عمدی بر خلاف مقررات (موضوع ماده ۴۱ ق.م.ج.ن.م) در غیر موارد قتل عمد و نقص عضو نسبت به شهروندان و افراد بی‌گناه اهانت نسبت به نظامیان و یا افراد غیر نظامی ایراد ضرب و جرح و امثال آن.

ثالثاً: در ارتباط با نیروهای مسلح عناوین جزایی دیگری از جمله جرائم عمومی آنان که دارای شرایط مقرر در ارجاع به میانجی‌گری کیفری باشند.

رابعاً: امکان ایجاد نهاد میانجی‌گری کیفری مورد تأیید نیروهای مسلح و سازمان‌های نظارتی وجود دارد، لکن حقوق نظامی از فرایندهای نوین سیاست جنایی مشارکتی دستاورد چندانی نداشته است.

الزامات تحولی در وظایف و اختیارات. گسترش بیش از حد دولت و اعطای اختیارات به نهاد های رسمی حاکمیت باعث ایجاد فضایی می‌شود که در آن عناصر گفتمان شهروند محور یا وجود نداشته و یا از آن استفاده ابزاری و تبلیغاتی می‌شود. نوعی سلطه‌گری و انحصار طلبی تاریخی در تعیین حدود گفت‌وگو عمومی و تعامل اجتماعی حول شاخص‌های امنیتی دولت محور که به نهادهای حکومتی و مقامات امنیتی اختیارات و حضور پر قدرتی می‌داد. در عمل نه تنها در چنین جوامعی سرزندگی و نشاط که از نمادهای جوامع انسانی سالم و توسعه یافته شناسایی شده، در کلیت فضای عمومی حاکم بر جامعه از بین می‌رفت، بلکه نوعی رکود و انفعال و از همه مهمتر از عدم ارتباط و تعامل را در پی داشت. عدم مسئولیت‌پذیری و فقدان هماهنگی و ناهمدل بودن با هیأت حاکمه و چه بسا تقابل پنهان و آشکار با سیاست‌های عملی دولت و نهادهای حکومت / حاکمیت از نمادهای این رویکرد است. به تجربه نیز ثابت شده که سیاست سرکوب و خشونت علیه شهروندان و یا بی‌توجهی به مطالبات آنها، ولو در قالب ایدئولوژی‌های سیاسی همچون نازیسم، فاشیسم، استالینیسم، طالبانیزم تحجر گرا هرگز در

درازمدت جواب نمی‌دهد بلکه باید به شهروندان و نیازهای عمومی آنها و از این رهگذر مطالبات ضروری آنها به گونه‌ای نگریده شود که از حیث اهداف نظامی و عمومی کوتاه مدت و دراز مدت، بتوان از قابلیت‌ها و ظرفیت‌های آنها بهره برد. ارتباط متقابل و بینابین آحاد شهروندان و دولت خصوصاً از حیث کارکردهای حکومت / حاکمیت بستر همکاری مشترک را فراهم می‌آورد و از رهگذر مشارکت، هم مسئولیت‌ها تقسیم می‌شود و از همه مهمتر این که "مشروعیت" هنجاری و ساختاری نهادهای امنیتی و پلیسی و در کل دولت و حکومت پدیدار گردد (شریفی طرازکوهی، ۱۳۹۶: ۱۹۴).

وظایف و اختیارات ضابطان: در یک چرخش تحول آفرین قانون‌گذار ایران به موجب قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ وظایف و اختیارات مهم و مؤثری را در راستای صیانت از آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی برای ضابطان اعم از ضابطان نظامی و ضابطان قضایی دادگستری پیش‌بینی نموده است. بخشی از این وظایف و اختیارات بشرح ذیل می‌باشند:

رعایت حقوق متهم مندرج در قانون آیین دادرسی کیفری؛ از قبیل حق داشتن وکیل، تماس با خانواده، دسترسی به پزشک و تفهیم کتبی سایر حقوق قانونی، وضعیت رعایت مقررات قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی از جمله ضرورت تفهیم اتهام، ممنوعیت شکنجه، منع تحقیر و استخفاف، احتراز از ورود به اسرار شخصی غیر مؤثر در پرونده و... جملگی از مواردی است که ضرورت داشته توسط مقامات نظامی و انتظامی مرتبط با وظایف و تکالیف نظامی و انتظامی خود همچنین در مقام ضابط قضائی مورد توجه قرار گیرد.

وظایف و اختیارات قضات: [در بسیاری از کشورها قضات به طور روز افزونی در تعریف حقوق شهروندان در حوزه‌هایی که برای رفاه آنها حیاتی است نقش مهمی برعهده گرفته‌اند. در نتیجه شهروندان برای حفاظت از حقوق خود مکرراً به دستگاه قضایی مراجعه می‌کنند. به علاوه، افزایش دلهره‌آور اقدامات مجرمانه اهمیت نظام عدالت کیفری را برای شهروندان و به طور کلی برای جامعه دوچندان کرده است به این دلیل و دلایل دیگر حجم کار دادگاه‌ها به طور قابل ملاحظه‌ای افزایش یافته و کار قضایی به مراتب پیچیده‌تر شده است. علاوه بر این، اکنون کاملاً آشکار شده است که صلاحیت‌های شغلی برای ایفای درست نقش قضایی ضرورت دارد که از صرف داشتن اطلاعات اولیه و مهارت‌های تفسیر حقوقی که زمانی کافی تلقی می‌شد فراتر است. تحول نقش دستگاه قضایی به افزایش اهمیت آن در حوزه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی منجر شده است.] شایسته است این مهم توسط نظارت عالی سازمان قضائی نیروهای مسلح و دادستان‌های نظامی در اجرای حمایت از حقوق عامه و رعایت حقوق شهروندان مورد تأکید قرار گیرد.

تأسیسات مبتنی بر منشور در حقوق کیفری نظامی و چالش‌های آن. این تأسیسات بخشی از اهداف منشور حقوق شهروندی را در بر می‌گیرد که شامل برنامه‌های معاضدت قضایی، شفافیت آراء و تصمیمات دادگاه‌های نظامی در امور مربوط به حقوق عامه، افزایش سطح آگاهی‌های عمومی و نقش سازمان قضایی نیروهای مسلح را در ارتباط

با حقوق شهروندی تبیین می‌نمایند. که در این حوزه سایر کارکردهای سازمان قضایی نیروهای مسلح در قبال حقوق عامه به شرح ذیل مورد بررسی قرار گرفته است.

برنامه‌های معاضدت قضائی رایگان: سازمان قضائی نیروهای مسلح به عنوان بخشی از قوه قضائیه، برنامه‌های معاضدت قضائی رایگان را در دو بخش دنبال می‌کند. معاضدت قضائی رایگان به شهروندان عادی و دیگری ارائه معاضدت قضائی رایگان به نظامیان و ایثارگران می‌باشد. حق بر دادخواهی عادلانه و ارائه خدمات مشاوره ای رایگان و انتخاب وکیل در بند (ز) و ماده ۵۸ منشور حقوق شهروندی نهاد ریاست جمهوری پیش بینی شده است.<sup>۴</sup> ماده ۵۸ منشور مقرر می‌دارد: «حق شهروندان است که از بدو تا ختم دادرسی در مراجع قضائی، انتظامی و اداری به صورت آزادانه وکیل انتخاب نمایند. اگر افراد توانایی انتخاب وکیل نداشته باشند باید برای آنها امکانات تعیین وکیل فراهم شود. در راستای استیفای خدشه ناپذیر حق دفاع، از استقلال حرفه ای و کلا حمایت حمایت خواهد شد». همانگونه که ملاحظه می‌گردد ماده ۵۸ منشور در باب حق بر دادخواهی عادلانه چند محور مهم و اساسی را مورد تاکید قرار داده است: ۱- حق بر انتخاب وکیل. ۲- حق استفاده از خدمات رایگان و کلا در مواردی که شهروندان توانایی انتخاب وکیل نداشته باشند. ۳- پذیرش و حمایت از استقلال وکلا در جهت دفاع از حقوق موکلین. ۴- حق بر پذیرش و انتخاب وکیل در کلیه مراحل دادرسی از بدو تا ختم فرایند دادرسی. ۵- حق بر پذیرش وکیل و ارائه خدمات در مراجع قضائی، مراجع انتظامی و مراجع اداری. نکته قابل توجه این منشور تاکید در ماده فوق‌الذکر تدبیر دولت و پیش بینی امکانات لازم در خصوص شهروندانی است که توانایی انتخاب وکیل را از نظر مالی و یا به لحاظ اهلیت شخصی ندارند لذا در راستای این تاکیدات که خود مبتنی بر قوانین موضوعه کشور است. اسناد بین‌المللی حقوق بشر دولت‌ها را مکلف می‌کند در صورتیکه به سود عدالت باشد در پرونده‌های کیفری به متهمین در تمام مراحل رسیدگی کمک‌های حقوقی ارائه دهد (Federico, ۲۰۰۵: ۱۲۵).

در ارتباط با برنامه‌های معاضدت قضایی رایگان به نظامیان واحد ارشاد معاضدت قضائی به موجب قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در تشکیلات سازمان قضائی نیروهای مسلح پیش بینی شده است. تبصره ۳ ماده ۵۷۸ قانون اخیرالذکر مقرر می‌دارد: «حوزه قضائی هراستان به تعداد لازم شعب دادگاه و دادسرا و نیز تشکیلات مورد نیاز از قبیل واحد ابلاغ، اجرای احکام و واحد ارشاد و معاضدت قضائی دارد و در صورت تعدد شعب دادگاه و دادسرا، هر یک دارای دفترکل نیز می‌باشند». همانگونه که در متن تبصره مزبور ذکر شده است، قانون‌گذار وجود تشکیلات معاضدت قضائی راتحت عنوان واحد ارشاد و معاضدت قضائی مورد تصریح قرار داده است اما آنچه مسلم است این تشکلات در سازمان قضائی نیروهای مسلح چندان کارآمد نبوده و یا اساساً در برخی سازمان‌های قضائی استان به ویژه دادسراهای نواحی تشکیل نشده است. مضافاً اینکه قانون حمایت قضائی از کارکنان دولت و پرسنل نیروهای مسلح مصوب ۱۳۷۶/۲۹ سازوکار حمایت و معاضدت قضائی از نیروهای مسلح را پیش بینی نموده است. ماده واحده قانون مزبور مقرر می‌دارد: «تمام وزارتخانه‌ها، شرکت‌ها، موسسات و سازمانهای دولتی و دستگاه‌هایی که مشمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام است، همچنین نیروهای مسلح (نظامی و انتظامی) مکلفند بنا

<sup>۴</sup> ماده ۵۶ منشور حقوق شهروندی: حق شهروندان است که به منظور دادخواهی آزادانه و با سهولت به مراجع صالح و بی طرف قضائی، انتظامی، اداری و نظارتی دسترسی داشته باشند. هیچکس را نمی‌توان از این حق محروم کرد.



به درخواست کارکنان خود در زمان حیات و یا وراثت درجه اول آنان پس از فوت با استفاده از کارشناسان حقوقی شاغل، به آنان خدمات حقوقی ارائه کنند».

شفافیت آراء و تصمیمات دادگاه های نظامی در امور مرتبط با حقوق عامه: یکی از شاخص های حکمرانی خوب، شفاف سازی و اطلاع رسانی است و چنانچه دولتی نتواند آمار های واقعی در اختیار مردم قرار داده و شفاف سازی کند، در معرض خطر قرار می گیرد. «قبیح عقاب بلا بیان» که یکی از اصول ثابت شده در نظام حقوقی اسلام به شمار می رود و در حقوق کیفری عرفی نیز به عنوان «اصل قانونی بودن جرائم و مجازات ها» شناخته می شود بر همی پایه استوار است و مقرر می دارد که دولت، موظف است تمام بایدها و نبایدها را در اختیار مردم قرار دهد تا مردم، تکلیف خودشان را بدانند. انتشار قانون در روزنامه رسمی نیز در همین راستا صورت می گیرد و در واقع دولت با تصویب قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات م صوب ۱۳۸۸ تمام موسسات را مکلف نمود تا اطلاعات عمومی را در اختیار مردم قرار دهند. مردم، حاکمان اصلی کشورند و دولتمردان، نمایندگان مردم هستند بنابراین نمی توان به بهانه ی محرمانه بودن، مردم را از اطلاع نسبت به قوانین محروم ساخت. عدم شفافیت اطلاعات، یکی از راه های ارتکاب جرم است زیرا وقتی مردم گمان می کنند که حاکمان آنها مرتکب جرم و فساد می شوند، آنها نیز جرم و فساد را مباح می دانند چراکه مردم، تابع حکمرانان خویشند (الناس علی دین ملوکهم) اگر اطلاعات کامل و شفاف در اختیار مردم قرار نگیرد، زمینه ی شک و تردیدها افزایش می یابد و گروهی از این ابهام ها سوء استفاده می کنند و اخبار غیر واقعی را ترویج می دهند. متأسفانه کشور ما در شاخص شفاف سازی جایگاه مناسبی ندارد به گونه ای که بر اساس گزارش سازمان شفافیت بین الملل، در شاخص ادراک فساد، جایگاه ۱۳۰ در میان ۱۸۰ کشور جهان را داراست و در شاخص شفاف سازی سیاست گذاری و ده های حکومتی، جایگاه ۱۰۵ جهانی و ۱۰ خاورمیانه و شمال آفریقا را داراست (صادقی جقه، فصلنامه مطالعات راهبردی، ش ۴، ۱۳۹۷: ۹). دادگاه های نظامی در اجرای بخشی از وظایف خود در قبال حقوق عامه در راستای آموزه های حقوق شهروندی مبتنی بر ضوابط منشور حقوق شهروندی وظایفی را برعهده دارند از جمله این وظایف شفافیت صدور آراء و تصمیمات قضائی در حقوق عامه می باشد. این شفافیت در امور ذیل تجلی پیدا میکند که شامل دسترسی مردم و رسانه ها به محاکمات دادگاه های نظامی در موارد نقض حقوق شهروندی، دسترسی به احکام قضائی با رعایت محرمانگی امور نظامی در خصوص حقوق عامه، بالابردن سطح آگاهی عمومی و اطلاع رسانی، جلب اعتماد عمومی و توسعه مشارکت مردم در اعلام موارد نقض حقوق شهروندی می باشد که به شرح ذیل مورد بررسی قرار می گیرند.

بالا بردن سطح آگاهی عمومی و اطلاع رسانی: هر شهروند به نوعی با طرز کار و عملکرد عدالت کیفری ارتباط دارد و باید در برابر جرم حمایت و حفاظت شود، زیرا در واقع بزه دیده یا قربانی بالقوه بزه است. بنابراین، اطلاعات کامل و قابل دسترس برای همه درباره چنین موضوعات و مسائل مهم باید وجود داشته باشد (پیکا، ۱۳۹۹: ۳۱). آموزش مستمر در جهت افزایش سطح آگاهی های عمومی به ویژه در حوزه حقوق شهروندی آحاد جامعه را با حقوق و تکالیف خود در قبال جامعه و حکومت آشنا می کند و مهم ترین راه کار در جهت پیشگیری از موارد نقض حقوق شهروندی می باشد. حقوق و تکالیف قانونی شهروندان چنانچه مکتوم بماند و سطح آگاهی جامعه نسبت به آن پایین باشد و یا اینکه شهروندان اساساً با حقوق خود آشنایی نداشته باشند و شناخت درستی از تکالیف خود نداشته باشند چگونه می توان به تحقق حقوق عامه و آموزه های حقوق شهروندی امیدوار بود. ماده ۲۲ منشور حقوق شهروندی در رابطه با حق آگاهی و اطلاع رسانی از تصمیمات و اقدامات اداری مرتبط با حقوق

شهروندان مقرر می‌دارد: «حق شهروندان است که از تصمیمات و اقدامات اداری که به نوعی حقوق و منافع مشروع آنها را تحت تاثیر قرار می‌دهند، آگاه شوند». بنابراین اطلاع رسانی و افزایش سطح آگاهی های عمومی در هر دستگاه به تناسب نوع کار و مأموریت های محوله بسیار حائز اهمیت است به همین جهت سازمان قضائی نیروهای مسلح در چارچوب اهداف و مأموریت های خود وظیفه دارد در این مسیر گام های جدی تری بردارد لکن این وظیفه در هیچ یک از اهداف و مأموریت های سازمان قضائی نیروهای مسلح تعریف نشده است از این رو در جهت تحقق کامل حقوق عامه، توسعه برنامه های آگاهی بخش قضائی و حقوقی بسیار اثر گذار خواهد بود.

محاکمات علنی در موارد نقض حقوق شهروندی: یکی از اصول قانون اساسی اصل یکصد و شصت هشت می باشد که اختصاص به اصل برگزاری دادگاه های سیاسی و مطبوعاتی بصورت علنی دارد.<sup>۵</sup> این در حالی است که به موجب صدر ماده ۶۳۳ قانون آیین دادرسی کیفری (بخش مربوط به نیروهای مسلح) انتشار اطلاعات مربوط به آراء دادگاه های نظامی ممنوع اعلام شده است.<sup>۶</sup> بدین معنی که اصل بر غیر علنی و غیر قابل انتشار بودن اطلاعات مربوط به آراء محاکم نظامی می باشد. البته این نگاه قانون گذار در بحث محرمانگی اطلاعات مربوط به آراء دادگاه های نظامی تا حدودی که در ارتباط با پرونده های خاص نظامی و یا امنیتی و یا مربوط به فرماندهان بلند پایه نظامی می باشد که انتشار آراء آن به مصلحت جامعه و نیروهای مسلح نباشد قابل توجیه است اما برگزاری دادگاه های علنی و انتشار آراء قضائی در موارد نقض حقوق عامه گام بلندی در راستای تحقق آموز های حقوق شهروندی و تاثیر آن در حقوق جزائی نظامی می تواند باشد و این مهم شاید است. در آینده مشمول تحولات حقوق جزائی نظامی به نفع آموز های حقوق شهروندی قرار گیرد. از طرف عدم انتشار آراء در موارد نقض حقوق عامه خود به نوعی نقض مکرر همان حقوق می باشد. شهروندان و آحاد جامعه باید در جریان موارد نقض حقوق شهروندی و برخورد دستگاه عدالت کیفری با این موارد قرار گیرند چرا که همه شهروندان به نوعی ذینفعان واقعه خواهند بود. مشابه این حق در ماده ۲۱ منشور حقوق شهروندی مورد تصریح قرار گرفته است.<sup>۷</sup> ماده ۵۹ منشور حقوق شهروندی نیز اصل را بر برگزاری علنی محاکمات محاکم قضائی قرار داده به نحوی که شهروندان بتوانند در صورت تمایل در جلسات رسیدگی حضور یابند.<sup>۸</sup>

جلب اعتماد عمومی: در ارتباط با موفقیت یا عدم موفقیت هر سازمان و نهادی در بدست آوردن جلب اعتماد عمومی صرفا یک علت و یا یک دلیل خاص وجود ندارد که جلب اعتماد عمومی حاصل شود بلکه دلایل

<sup>۵</sup> اصل ۱۶۸ قانون اساسی: رسیدگی به جرایم سلیسی و مطبوعاتی علنی است و با حضور هیات منصفه در محاکم دادگستری صورت می گیرد. نحوه انتخاب، شرایط، اختیارات، هیات منصفه و تعریف جرم سیاسی را قانون و بر اساس موازین اسلامی معین می کند.

<sup>۶</sup> ماده ۶۳۳ قانون آیین دادرسی کیفری: انتشار اطلاعات مربوط به آراء دادگاه های نظامی ممنوع است. اما رئیس سازمان قضائی در موارد ضروری و در صورت اقتضای مصلحت می تواند اطلاعات مربوط به آراء دادگاه های نظامی را جهت انتشار در اختیار پایگاه اطلاع رسانی قوه قضائیه و سازمان قضائی قرار دهد.

تبصره: در مواردی که به تشخیص دادستان نظامی یا رئیس سازمان قضائی، جهت پیشگیری از جرم آموزش ضروری باشد، به میزان لازم اطلاعات مربوط به احکام و فرآیند رسیدگی به جرم در اختیار یگانها قرار می گیرد.

<sup>۷</sup> ماده ۲۱ منشور حقوق شهروندی: حق شهروندان که چنانچه نهادهای اداری و یا کارکنان را خلاف قوانین و مقررات بدانند، از طریق مراجعه به مراجع اداری و قضائی صالح، تقاضای حق کنند.

<sup>۸</sup> ماده ۵۹ منشور حقوق شهروندی: اصل، برگزاری علنی محاکمات است و شهروندان حق دارند در صورت تمایل در جلسات رسیدگی حضور یابند. موارد استثناء صرفا به حکم قانون می باشد

متعددی در تحصیل اعتماد عمومی در یک سازمان موثر خواهد بود. چنانچه برای سازمان قضائی نیروهای مسلح اهداف و مأموریت هایی را در نظر بگیریم اجرای صحیح و بی عیب و نقص مأموریت ها در یک مسیر قانونی توأم با کسب رضایت مراجعین در جلب اعتماد عمومی تاثیر گذار می باشد. سازمان قضائی نیروهای مسلح با توجه به اینکه یک دستگاه حاکمیتی می باشد و به عنوان بخشی از قوه قضائیه دارای دو شان و جایگاه می باشد یک شان و جایگاه نظارتی که وظیفه نظارت بر حسن اجرای قوانین و وظایف محاکم و ضابطان و به طور کلی نظارت بر امور نظامی انتظامی اعضای نیروهای مسلح و دیگری شان قضاوتی این نهاد مهم است که از طریق دادسراها و دادگاه های نظامی مبادرت به فصل خصومت و انشاء رای می نماید. از جمله اصول و ضرورت ها در فصل خصومت ها رعایت اصل بی طرفی در رسیدگی ها می باشد. ماده ۳ قانون آیین دادرسی کیفری م صوب ۱۳۹۲ مقرر می دارد: «مراجع قضائی باید با بی طرفی و استقلال کامل به اتهام انتصابی به اشخاص در کوتاه ترین مهلت مهلت ممکن، رسیدگی و تصمیم مقتضی اتخاذ نمایند و از هر اقدامی که با ایجاد اختلال یا طولانی شدن فرایند دادرسی کیفری میشود جلوگیری کنند». بنابراین چنانچه سازمان قضائی نیروهای مسلح م مقام رسیدگی به دعوی با تمکین به قانون و رعایت اصل بی طرفی مبادرت به صدور رای نماید به نظر می رسد در تحقق این امر که همان جلب اعتماد جامعه می باشد و در جهت نیل به تحولات حقوق شهروندی برنامه های خود را با موفقیت و با بیشترین اقبال عمومی به سرانجام می رساند.

توسعه مشارکت مردم در موارد نقض حقوق شهروندی: قانون آیین دادرسی کیفری م صوب ۱۳۹۲ علاوه بر سعه مشارکت مردم و سازمان های مردم نهاد را در موارد نقض حقوق شهروندی و نقض حقوق عام در ارتباط با موضوعات اجتماعی، فرهنگی، محیط زیست بهداشتی همچنین حمایت از حقوق زنان، اطفال، نوجوانان، اشخاص بیمار و یا داری ناتوانی جسمی یا ذهنی پیش بینی نموده است.<sup>۹</sup> اجرا و تحقق این سازوکار در سازمان قضائی نیروهای مسلح از دو طریق امکان پذیر است، یکی از طرق تشکیل و احیاء سازمان های مردم نهاد که به طور مستقیم با سازمان قضائی نیروهای مسلح در ارتباط باشند و در موارد موضوع صلاحیت سازمان موضوعات نقض حقوق عامه تضييع حقوق شهروندان را اعلام و پیگیری نمایند و به عنوان علام کنندگان جرم مطابق ماده ۶۶ قانون مزبور علاوه بر اعلام کننده جرم بتوانند در تمام مراحل دادرسی شرکت نمایند و یا حتی در مواردی بتوانند نسبت به تصمیمات و آراء محاکم قضائی حق اعتراض نیز داشته باشند. دیگر اینکه راه هم سازی سامانه اعلام گزارش اشخاص نسبت به موضوعات مرتبط با نقض حقوق شهروندی توسط نیروهای مسلح و یا حتی موارد نقض حقوق شهروندی یا خود داری از انجام وظایف قانونی توسط مقامات قضائی سازمان در موضوعات حقوق عامه با حفظ محرمانگی هویت، تامین امنیت هادی و معنوی، طراحی نظام انگیزشی مناسب برای گزارشگران با اصلاح قوانین و مقررات مرتبط، توسعه سامانه گزارش دهی مردمی، آموزش عمومی مردم و تعیین حدود مداخله برای گزارش دهی<sup>۱۰</sup>.

### نتیجه گیری و پیشنهادات

باتوجه به اهمیت و نقش حقوق کیفری نظامی به جهت ارتباط آن با حقوق شهروندی از حیث وظایف و تکالیف مشمولین حقوق نظامی در قبال حقوق شهروندی و به فراخور تدوین مقرره های نوین حقوق شهروندی در

<sup>۹</sup> ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری اصلاحی ۱۳۹۴/۳/۲۴: سازمانهای مردم نهادی که علاوه بر اعلام جرم در تمام مراحل دادرسی شرکت نمایند.

<sup>۱۰</sup> برای مطالعه بیشتر رجوع شود به سند تحول قضائی

سنوات اخیر بالاخص با تدوین منشور حقوق شهروندی نهاد ریاست جمهوری، اینگونه استنباط می‌گردد؛ قوانین و ساختارهای فعلی حقوق جزای نظامی متناسب با نیازهای کنونی جامعه و نیاز کاربران حقوق نظامی، استانداردسازی و بروزرسانی نشده است. در این راستا و به جهت بررسی تحولات حقوقی و هم‌تاسازی حقوق جزای نظامی با مقرره‌های حقوق شهروندی آنچه حائز اهمیت بوده و ضرورت داشته تا به عنوان یک فصل مشترک میان حوزه‌ی حقوق شهروندی و حقوق کیفری نظامی به آن پرداخته شود، الزامات و بایسته‌های حقوق شهروندی؛ شناخت دقیق حقوق جزای نظامی و تبیین اثرپذیری آن در مواجهه با حقوق شهروندی می‌باشد در این فرایند یافته‌ها حکایت از آن دارد، حقوق جزای نظامی به عنوان یکی از شاخه‌های حقوق کیفری، در برخورد با جرایم نظامیان و در مواجهه با آموزه‌های نوین حقوق شهروندی، تاکنون انعطاف‌پذیری بالایی از خود نشان نداده است. بالطبع این عدم انعطاف و عدم همسویی مقرره‌های حقوق جزای نظامی با آموزه‌های حقوق شهروندی علاوه بر اینکه موجبات تضییع حقوق شهروندان را بوجود می‌آورد و نقض حقوق نظامیان را نیز در پاره‌ای از موارد را در پی خواهد داشت. تلاش ما در این پژوهش بر این قرار گرفت که پس از تحلیل دقیق حقوقی جزای نظامی و حقوق شهروندی با امعان نظر به مقررات منشور حقوق شهروندی، به بررسی تحولات حقوق جزای نظامی از منظر ضوابط و تأکیدات منشور حقوق شهروندی بپردازیم. در این راستا ابتدا به تحلیل و بررسی وضعیت موجود حقوق جزای نظامی از منظر حقوق شهروندی پرداخته شده است و سپس با نگاه تحولی وضعیت مطلوب حقوق جزای نظامی و تحولات ضروری آن تحت تأثیر الزامات و بایسته‌های حقوق شهروندی با تأکید بر ضوابط منشور حقوق شهروندی بشرح ذیل نتیجه‌گیری و در پایان پیشنهادات کاربردی ارائه گردید:

- حقوق جزای نظامی و قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح با سایر شعبات حقوقی به ویژه حقوق شهروندی و مقررات متأثر از آن از جهات مختلفی ارتباط تنگاتنگی دارد و با بررسی اجمالی حقوق جزای نظامی و انطباق آن با اشکال نوین عدالت کیفری، کاستی‌ها و نواقصی به چشم می‌خورد که می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

- سیاست جنایی حاکم بر حقوق جزای نظامی غالباً مبتنی بر واکنش‌های تنبیهی و قهرآمیز بوده که اصولاً با رویکردهای جدید جرم‌شناسی و تحولاتی که در مقررهای به روز حقوق شهروندی مورد تأکید می‌باشد در تعارض است، از طرفی تحولات صورت گرفته تاکنون در حقوق جزای نظامی تحت تاثیر نظام دادرسی‌های سختگیرانه شکل گرفته است و بطور کلی سیاست جنایی حقوق جزای نظامی در پی‌شگیری از جرم صرفاً به سرکوب‌گری و اجرای مجازات‌های کیفری تکیه می‌کند، درحالی که قلمرو سیاست جنایی مبتنی بر آموزه‌های حقوق بشری و حقوق شهروندی در واکنش به پدیده‌های مجرمانه، صرفاً بر اقدامات کیفری تکیه نمی‌کند، بلکه رسالت و هدف سیاست جنایی هر جامعه در واقع تضمین امنیت جانی، مالی و حیثیتی شهروندان، از یک سو و تامین امنیت نهاد‌های عمومی آن، از سوی دیگر است. امروزه در دنیا مدل‌های مختلفی از سیاست جنایی وجود دارد که در برخورد با ناهنجاریها از طیف وسیعی از واکنش‌های اداری، انضباطی، مدنی و انتظامی بهره می‌برند که ضرورت دارد قانونگذار در تحولات آتی حقوق جزای نظامی رویکرد نوینی اتخاذ نماید. چراکه هنوز هم بخش قابل توجهی از مقررات کیفری در حقوق جزای نظامی وجود دارد که لازم است با پاسخ‌های غیرکیفری و تدابیر انضباطی با آنان برخورد نمود و در اینگونه موارد از نظام کمینه کیفری استفاده گردد.

- غیر قابل گذشت بودن کلیه جرایم در حوزه حقوق جزای نظامی، با اصول سیاست جنایی مبتنی بر آموزه های حقوق شهروندی، در تعارض بوده و در عمل نیز اعمال مقررات مرتبط با نهاد های ارفاق آمیز و میانجی گری کیفری را که امروزه مهم ترین دستاورد علوم جنایی مدرن محسوب می شود را با محدودیت های فراوانی روبرو نموده است. توجه قانونگذار در این زمینه و تحت شمول قرار دادن برخی جرایم نظامی ذیل ماده ۱۰۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ (موضوع جرایم قابل گذشت) در راستای تحقق اهداف منشور حقوق شهروندی حائز اهمیت خواهد بود.

- اقدامات تحولی در خصوص حبس زدایی از برخی جرایم در حقوق جزای نظامی به ویژه در قانون جرایم نیروهای مسلح که در سطح محدودی مورد تصریح قانونگذار قرار گرفته است همسو با تعامل حقوق شهروندی می باشد لکن به نظر می رسد متاثر از آموزه های نوین حقوق شهروندی و تاکیدات منشور، لازم است این قوانین متناسب با شرایط فعلی تعدیل و اصلاح گردند، بعنوان مثال ایراد خسارت ناشی از بی احتیاطی و بی مبالاتی به اموال نیروهای مسلح، چنانچه کمتر از ده میلیون ریال باشد فاقد وصف مجرمانه بوده و تعدیل مبلغ مزبور در ماده و به روز شدن آن متناسب با شرایط اقتصاد کنونی و کاهش ارزش پول ملی، می تواند منجر به جرم زدایی از این مقرر و به تبع آن کاهش چشمگیر پرونده های قضایی در محاکم باشد.

- ضابطان قضایی اعم از ضابطان نظامی ضابطان عام دادگستری و به طور کلی مشمولین حقوق نظامی به عنوان بازوان اجرایی منشور، تامین کنندگان حقوق شهروندی و تضمین کنندگان امنیت و آرامش عمومی شهروندان هستند که به نوعی حلقه اتصال و ارتباط حقوق نظامی با حقوق شهروندی نیز می باشند و چنانچه مورد بحث قرار گرفت حقوق رسمی و مشروعی از آنان همچون حق برخورداری از دادرسی منصفانه، آزادی در انتخاب وکیل، حق دسترسی به اطلاعات و مستندات پرونده، حق بر حریم خصوصی، حق بر فعالیت های سیاسی و انتخاباتی در حقوق نظامی با محدودیت هایی مواجه شده است، اکنون با توجه به آموزه های حقوق شهروندی و قابلیت اثر بخشی آن در حقوق جزای نظامی تعدیل و بازنگری در مقرر های موجود با تاکید بر دستاوردهای منشور حقوق شهروندی امری ضروری به نظر می رسد. هرچند تا به امروز در این راستا در حوزه تقنین و قانونگذاری در حقوق نظامی اقدامات محسوسی صورت نگرفته است، لکن در مقام اجرا به موجب سایر قوانین و به تبع آن در برخورد نظامیان با شهروندان، تحولات گسترده ای متاثر از منشور و تعالیم آن صورت پذیرفته و در برخورد های پلیسی و قضایی، حفاظت و صیانت از حقوق شهروندان و حفظ کرامت آنان در مراجع قضایی و انتظامی، همواره مورد توجه و تاکید بوده و تدوین دستور العمل ها و بخشنامه های متعددی همچون سند تحول قضایی به منظور ایجاد تحول و دستیابی به عدالت و رضایتمندی عموم جامعه موید این امر می باشد که اولین ماموریت آن در برنامه تحول، شناسایی قوانین و مقررات متعارض، مبهم و ناقص بوده که به نظر می رسد با توجه به تحولات اخیر، لزوم تغییر و تعدیل در قوانین فعلی حقوق جزای نظامی به نفع آموزه های حقوق شهروندی ضروری و حائز اهمیت است.

- آموزه‌های عدالت ترمیمی امروزه به عنوان الگویی رایج در امور جزایی و در قلمرو گسترده‌ای از نظام های حقوقی دنیا اجرا شده‌است همچنین در حقوق کیفری ایران مورد شناسایی قانونگذار قرار گرفته است. در حقوق جزای نظامی به ویژه قانون جرایم نیروهای مسلح جرائمی وجود دارد که قابلیت ارجاع در فرآیند عدالت ترمیمی را دارنده این نوع جرایم، ویژگی‌هایی دارند که می‌توان با گفتگو میان بزه‌کار و بزه‌دیده و مشارکت جامعه محلی با مداخله تسهیل‌کننده یا به اصطلاح میانجی و مشارکت اختیاری طرفین دعوی موارد را در چارچوب ماده ۸۱ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲ ارجاع به میانجی‌گری کیفری داد، لکن متأسفانه علی‌رغم وجود بستر قانونی این موضوع در حقوق جزای نظامی به دست فراموشی سپرده شده است.

- در قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی به عنوان مهم‌ترین قانون در این حوزه و در مفاد منشور حقوق شهروندی نهاد ریاست جمهوری نقش سازمان قضایی نیروهای مسلح تصریح نشده است در حالیکه نقش این سازمان در صیانت از حقوق شهروندی بسیار حائز اهمیت است، لذا در برنامه تحولی، تقویت و تثبیت نقش سازمان قضایی نیروهای مسلح در قبال حقوق عامه از جمله ارزیابی و سنجش عملکرد محاکم نظامی و یگانهای نظامی در امور مرتبط با حقوق عامه، نظارت بر فرآیند دادرسی، نظارت بر اتقان آراء، شفافیت آراء و تصمیمات در موارد نقض حقوق شهروندی، دسترسی به احکام قضایی در برخورد با موارد نقض حقوق شهروندی و موضوعاتی از این قبیل در جلوگیری و پیشگیری از موارد نقض حقوق شهروندی بسیار حائز اهمیت است.

- تأسیسات پاسخگو به حقوق شهروندی در حقوق جزای نظامی محدود بوده و منحصر است به دادسراها و دادگاه‌های نظامی در حالیکه اصلی‌ترین وظایف این محاکم رسیدگی به جرائم خاص نظامی و انتظامی اعضای نیروهای مسلح می‌باشد. اگر چه در این محاکم موضوعات نقض حقوق شهروندی در مواردی رسیدگی می‌شود، لکن تشکیل دادسراها و دادگاه‌های تخصصی ویژه حقوق شهروندی در حقوق جزای نظامی از جمله ضرورت‌ها و الزامات تحولی در این حوزه بشمار می‌آید که تا کنون اینگونه محاکم و یا حتی شعب تخصصی در دادسراها و دادگاه‌های نظامی که به طور خاص ویژه رسیدگی به موارد نقض حقوق شهروندی باشند، تا سیس و تشکیل نشده است.

## منابع و مآخذ

### منابع فارسی:

- (۱) الهی منش، محمدرضا؛ مرادی اوجقاز، محسن. (۱۳۹۳). تبلور حقوق شهروندی در فرآیند دادرسی کیفری. فصلنامه قضاوت، ۱۴(۸۰): ۵۸-۸۳. [http://www.ghazavat.org/article\\_۳۳۸۲۸.html](http://www.ghazavat.org/article_۳۳۸۲۸.html)
- (۲) امیری، محمدحسین، بارانی، محمد و دارابی، شهرداد. (۱۳۹۹). مقاله تحولات حقوق نظامی متأثر از منشور حقوق شهروندی، فصلنامه پژوهش‌های دانش انتظامی، سال بیست و سوم، شماره ۴.
- (۳) باری، مجتبی. (۱۳۹۸). حقوق جزای نظامی. دادستان. چاپ اول.
- (۴) پیکا، ژرژ، (۱۳۹۶) جرم‌شناسی، ترجمه دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ پنجم، بنیاد حقوقی میزان

- ۵) تدین، عباس؛ خانجانی، محمدرضا، (۱۳۹۵)، اصل همترازی حقوق أصحاب دعوی در فرآیند دادرسی های کیفری، فصلنامه تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین الملل. (تحقیقات حقوقی آزاد سابق)، شماره ۳۲
- ۶) دهقانی، روح الله، ۱۳۹۹، پیشگیری غیرکیفری از جرائم مرتبط با شبکه های اجتماعی، رساله دکتری، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قم.
- ۷) ذاکریان، مهدی، (۱۳۸۶)، جهانی شدن و جهان شمولی حقوق بشر، حقوق بشر و چشم اندازها، مرکز مطالعات حقوق بشر، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
- ۸) رستمی، ولی، ۱۳۸۴، سیاست جنایی مشارکتی در جمهوری اسلامی ایران، رساله دکتری دانشگاه تهران.
- ۹) شریفی، طرازکوهی، (۱۳۹۶)، حقوق شهروندی، چاپ دوم، بنیاد حقوقی میزان.
- ۱۰) صادقی جقه، سعید، شفافیت، نظارت و کارآمدی، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۷
- ۱۱) عزیزی فرد، مهدی. (۱۳۹۶). مبانی حقوق شهروندی در نظام جمهوری اسلامی ایران. چاپ اول، انتشارات دادگستر.
- ۱۲) علیدوستی، ناصر، (۱۳۸۸). پلیس و آموزش حقوق شهروندی. فصلنامه مطالعات راهبردی، ۱۲(۴۴). ۷۱-۴۷.
- ۱۳) غلامی، حسین. (۱۳۹۲). حقوق جزای نظامی-تطبیقی. نشر میزان. چاپ اول.
- ۱۴) قلی پور سوتی، رحمت الله و منوریان عباس، طراحی مدل دولت الکترونیک در چهارچوب اخلاقی حکمرانی خوب، فصلنامه اخلاق در علم و فناوری، ۱۳۹۸.
- ۱۵) کبریا، بهدین؛ حبیب زاده، اصحاب؛ دهقان، سید مصطفی؛ بهروز، سروش. (۱۳۸۸). نقش ناچاق در تحقق حقوق شهروندی. نشریه نظم و امنیت انتظامی، ۲(۲). ۱۸۸-۱۵۷. <http://www.osra.jrl.police.ir/>
- ۱۶) گلدوزیان، ایرج، (۱۳۸۵) بایسته های حقوق جزای عمومی، چاپ سیزدهم، تهران، انتشارات میزان.
- ۱۷) گودرزی، محمدرضا، (۱۳۸۵)، سیاست جنایی قضایی، معاونت حقوقی و توسعه قضایی قوه قضاییه، چاپ دوم، انتشارات سلسبیل، بهار ۱۳۸۵
- ۱۸) مصدق، محمد (۱۳۹۵). شرح قانون مجازات اسلامی (حدود). تهران: انتشارات جنگل
- ۱۹) مقیمی، مهدی؛ کبریا، بهدین. (۱۳۹۳). پلیس و حقوق شهروندی. دانشگاه علوم انتظامی چاپ اول. تهران.
- ۲۰) مهرآبادی، سید محراب؛ میرزایی، امین. (۱۳۹۹). مبدا و منشاء دادرسی عادلانه در نیروهای مسلح. مطالعات حقوقی، ۱(۴۸). ۲۸۳-۲۵۷. [www.sciencejournals.ir/publications.aspx?pid=۱۲](http://www.sciencejournals.ir/publications.aspx?pid=۱۲)

منابع لاتین:

۲۱) Federico Giuseppe, (ed-۲۰۰۵), Recruitment, professional Evaluation, career and discipline of Judges and prosecutors in Europe: Austria, France, Germany, Italy, The Netherlands and Spain, Lo Scarabeo, Bologna. [www.irsiy.cnr.it](http://www.irsiy.cnr.it)

۲۲) Greaves. H.R.G (۲۰۰۶) The Foundation of Political Theory. London